

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهی دیه و ماهیت آن در سیاست جنایی اسلام
۱۷	دیدگاه علمای شیعه، سنی و وهابی درباره توسل به ائمه (ع) و اولیاء الهی (ع) و اشکالات وارده بر آن
۴۳	اختیارات ولی خاص و قیم در امر قصاص از دیدگاه فریقین و حقوق ایران و افغانستان
۶۵	چیستی فلسفه فقه
۷۹	اندیشه مهدویت در تصوف با تأکید بر سلسله نوربخشیه
۱۰۳	وعده حکومت بندگان صالح و مؤمنان نیکوکار بر زمین
۱۲۱	حکم غنا از دیدگاه مرحوم شیخ انصاری و مرحوم امام خمینی



سال چهارم، بهار ۱۴۰۳، شماره ۱۲

قرآن پژوهی دیه و ماهیت آن در سیاست جنایی اسلام

سید محمد حسینی دره صوفی^۱

چکیده: دیه یکی از ابزارهای است که سیاست جنایی اسلام آن را برای مقابله و با جرم و جنایت از یک سو و برقرای نظم و ثبات در جامعه از سوی دیگر به خدمت گرفته است. دیه منشأ قرآنی دارد و برای اولین بار قرآن کریم آن را به عنوان راهکار، مطرح کرده است. دیه عبارت از مالی است که توسط جانی به مجنی علیه پرداخت می‌شود و در اینکه ماهیت آن چسبیت بین اندیشمندان فقه اختلاف است. هدف این پژوهش بررسی منشأ قرآنی دیه و ماهیت آن است تا روشن شود که اولاً دیه در قرآن کریم چه جایگاهی دارد؟ ثانياً مشخص شود که ماهیت دیه چیست و چرا باید مالی به عنوان دیه به مجنی علیه پرداخت شود؟ این مقاله با روش توصیفی تحلیلی انجام شده و ابزارهای جمع آن داده‌های کتابخان‌های و پایگاه‌های برخط و نشریات و مجلات دیجیتالی است. مهمترین یافته پژوهش این است که شارع مقدس دیه را به عنوان ابزارای جهت آشتی دادن بین جانی و مجنی علیه در نظر گرفته است تا فرصتی باشد برای اصلاح پذیری جانی. دیه نه صرفاً برای خسارت مالی و نه تنها برای مجازات جانی، بلکه هدیه‌ای است ناچیز که به عنوان ابراز ندامت و عذرخواهی به مجنی علیه یا ورثه او داده می‌شود تا فرصت مجددی به جانی داده شود و او بتواند خود را اصلاح کند.

کلید واژه: دیه در قرآن، سیاست جنایی اسلام، ماهیت دیه، منشأ دیه، ترکیبی بودن ماهیت دیه.

۱. دانشپژوه دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم.

۱. مقدمه

دیه نوعی جرمه مالی است که از طرف جانی به مجنی علیه پرداخت می‌شود. بحث دیه که در جوامع اسلامی مطرح است، بخش زیادی از پرونده‌های کیفری را در نظام قضایی به خود اختصاص داده است. با توجه به کثرت و تکرار و تعدد جرایم مستوجب دیه، پژوهش در زمینه آن از اهمیت خاصی برخوردار است. بحث دیه در آثار متعددی مورد پژوهش قرار گرفته است از ابواب مختلف فقهی گرفته تا کتابهای مستقل در این باب. ضرورت این پژوهش بدان جهت است که قرآن پژوهشی سیاست جنایی اسلام در مورد دیه به صورت مستقل و با این عنوان به نگارش در نیامده است. برای همین انجام پژوهشی با این عنوان ضرورت دارد تا مشخص شود که سیاست جنایی اسلام در ماهیت دیه و دیه در قرآن کریم چیست؟

۲. مبانی نظری

۱-۲. دیه در لغت

«دیه» از ماده «ودی» است و به معنای «اخذ دیه» به کار رفته است (جوهری، ۱۴۱۰، ۵۲۱/۶؛ صاحب، ۱۴۱۴، ۳۹۵/۹؛ ابن اثیر، بیتا، ۱۶۹/۵).

اندیشمندان زبان شناس دیگر، معتقدند که دیه عبارت است از مالی که حق قتل است (زبیدی، ۱۴۱۴، ۲۸۳/۲۰). دیه مالی است که به ورثه مقتول عوض قتل نفس پرداخت می‌شود (سعدی، ۱۴۰۸، ۳۷۷-۳۷۶).

تعریف سعدی از دیه بسیار وسیع است و حتی شامل کسانی که به حق کشته شده است می‌شود؛ در حالی که چنین افرادی دیه ندارند.

برخی دیگر معتقدند که دیه یعنی مالی که به ورثه کسی که به ناحق کشته شده است پرداخت می‌شود (حمیری، ۱۴۲۰، ۱۱/۷۱۰۶).

این تعریف نیز اشکالاتی دارد؛ زیرا کسی که به ناحق کشته می‌شود اعم از قتل عمد و شبه عمد و خطاست و در صورت عمدی بودن قتل، حکمش قصاص است نه دیه.

۲-۲. دیه در اصطلاح فقه

در اصطلاح فقه، دیه عبارت است از مالی که به علت وقوع جنایت بر نفس انسان آزاد یا مادون نفس انسان آزاد، واجب می‌گردد (سبزواری، ۱۴۱۳، ۵۹/۲۹؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۲، ۵۸۰/۲).

این تعریف عام است و ارش را نیز در بر می‌گیرد در حالیکه، دیه در در فقه مال مقدر است. یعنی مقدار دیه در فقه تعیین شده است؛ اما اگر مقدار آن در فقه تعیین نشده باشد، آن را ارش می‌نامند.

۲-۳. دیه در اصطلاح حقوق

در اصطلاح حقوق، دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است (قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۴۸).

این تعریف از جهات مختلف بهتر از تعاریف قبل است چون ارش را خارج می‌کند.

۲-۴. منشأ قرآنی دیه

سیاست جنایی اسلام در مورد دیه، از قرآن کریم نشأت گرفته است. واژه دیه اولین بار در تاریخ اسلام در قرآن کریم و تنها یک بار ذکر شده است (نساء/۹۲). در نتیجه، دیه مشروعیت خود را از قرآن می‌گیرد؛ هر چند، علاوه بر قرآن روایات ائمه معصومین و اجماع فقها نیز در این زمینه به عنوان منابع مشروعیت دیه موجود است (جبعی عاملی، ۱۴۰۹، ۳۱۵/۱۵).

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ؛ هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سرزند؛ (و در عین حال،) کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونیهایی به کسان او

بپردازد؛ مگر اینکه آن‌ها خونبها را ببخشند. و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول باایمان بوده، (تنها) باید یک برده مؤمن را آزاد کند (و پرداختن خونبها لازم نیست). و اگر از جمعیتی باشد که میان شما و آن‌ها پیمانی برقرار است، باید خونبهای او را به کسان او بپردازد. (نساء، ۹۲)

آیه اصل مشروعیت و مجاز بودن دیه را مقرر کرده است و اشاره به مقدار آن ندارد. علت اینکه «دیه» نکره آمده و اطلاق دارد این است که دیه را به اختیار طرفین بزه دیده و بزه‌کار و توافق آنان سپرده است. آیه شریفه اعم از زن و مرد است چون لفظ «مَن» هر دو را شامل می‌شود.

واژه «مؤمنا» علی‌رغم مذکر بودن، از باب تغلیب هردو جنس را شامل می‌شود. این آیه یکی از دلایل قائلین به برابری دیه زن و مرد محسوب می‌گردد (طبرسی، ۱۴۰۸، ۱۳۸، رشید رضا، ۱۴۱۶، ۳۳۲)

این برداشت از آیه با واقعیت‌های روز جامعه انطباق دارد و اینکه آیه فقط اصل مشروعیت دیه را بیان کرده و مقدار آن و نوع آن بسته به شرایط و اوضاع و احوال جامعه است. مقید کردن دیه به انواع ششگانه دیه^۱، با پویا بودن فقه اسلام و دستورات آن نمی‌سازد. به جای اینکه ملاک دیه را شتر و... قرار دهیم بهتر است در هر زمانی با ارزش همان زمان و طبق توافق طرفین زیان دیده و زیان رساننده عمل شود و سقف آن توسط حاکم شرع و بسته به مصالح جامعه تعیین شود.

۳. علت وضع دیه در سیاست جنایی اسلام

این نظر که بگوییم در قتل نفس و حتی در مادون نفس، دیه خون‌بهای مقتول یا زیان‌دیده است، نظر درستی نیست، زیرا انسان به عنوان شریف‌ترین موجود جهان آفرینش، خورش قابل قیمت‌گذاری نیست و قرآن کریم می‌فرماید: کسی که یک نفر

۱. ۱. صد شتر سالم ۲. دو یست گاو سالم ۳. هزار دینار سکه زده شده و رایج. هر دینار، برابر یک مثقال شرعی طلا، به وزن هیجده نخود است که به‌طور تقریبی، برابر ۵۱۵/۳ گرم است. ۴. ده هزار درهم سکه زده شده و رایج. وزن هر درهم برابر است با وزن ۶/۱۲ نخود نقره ۵. هزار گوسفند سالم. ۶. دو یست حله یمنی.

را به ناحق بکشد، مثل این است که تمام بشریت را به قتل رسانده باشد (مانده، ۲۳) پس نمیتوان خون همه بشریت را قیمت گذاری کرد. در اینکه ماهیت و علت وجود دیه چیست چندین نظریه وجود دارد:

۱-۳. برای مجازات

برخی از معاصرین معتقدند که دیه برای مجازات مجرمین وضع شده است و در قالب جریمه مالی می باشد. یکی از طرفداران این نظریه شهید مطهری است که بدون تفصیل بین قتل عمد، شبه عمد و خطایی، و بدون در نظر گرفتن دیه مادون نفس، معتقد به مجازاتی بودن دیه است و آن را مجازات مالی می داند (مطهری، ۱۳۷۹ش، ۱۱۸/۲۰).

اینکه دیه را صرفاً برای مجازات بدانیم درست به نظر نمی رسد و نمی تواند باعث مهار جرم و کاسته شدن از جنایت گردد. امروزه بخش وسیعی از جرایم کلان، توسط افراد ذی نفوذ و مهم و کسانی انجام می شوند که در جایگاه بالای اجتماعی قرار دارند و از سوی دیگر به لحاظ اقتصادی جزو افراد مرفه جامعه محسوب می گردند؛ اگر دیه را صرفاً مجازات بدانیم، برای چنین افراد بازدارنده نیست و به راحتی می توانند با پرداخت پول، خود را از جنگ عدالت برهانند.

۲-۳. برای جبران خسارت مالی

براساس این نظریه، دیه جبران مالی برای جنایت واقع شده بر مجنی علیه است. دیه خسارت های اقتصادی ناشی از مرگ، نقص عضو یا جرح او را تأمین می کند (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ۱۲۵/۲۷).

این نظریه با اشکالاتی زیادی مواجه است. یکی از اشکالات مهم بر این نظریه این است که پرداخت مقدار مشخصی از پول به عنوان دیه، نمی تواند خسارت های مالی را جبران کند؛ زیرا، شخصی که بر اثر حادثه ای که ناشی از خطای محض بوده کشته شده است، پرداخت مبلغی به عنوان دیه، به هیچ وجه جبران کننده خسارت های مالی او نیست. یک شخص می تواند در طول حیات خود تا بی نهایت درآمد اقتصادی داشته باشد. زیرا این قابلیت و استعداد در نهاد هرکسی نهفته است

که با بارورکردن استعدادهای مالی و اقتصادی خود به بزرگترین تاجر موفق دنیا تبدیل شود و حالا شخصی که کشته شده است، دیه مشخصی که بابت قتل او پرداخت می‌شود به هیچ عنوان نمی‌تواند خسارت‌های مالی که بر اثر قتل او بر خانواده‌اش و جامعه وارد شده است را جبران کند. در نتیجه نمی‌توان دیه را صرفاً جبران‌کننده خسارت مالی دانست.

۳-۳. ترکیبی بودن ماهیت دیه

نظریه دیگر این است که دیه برای هردو مقصد وضع شده است. یعنی هم برای جبران زیان‌های اقتصادی است و هم برای مجازات جانی.

۱. برای مجازات جانی است چون جانی با پرداخت هزینه هنگفت به زیان‌دیده تأدیب می‌شود و پرداخت دیه برای هرکسی راحت نیست.

به نظر می‌رسد چنین نظری کلیت ندارد و پرداخت دیه به صورت کلی در تمام افرادی که مرتکب جرم می‌شوند، مجازات جانی محسوب نمی‌شود؛ زیرا قشر وسیعی از جانیمان بزرگ و سازماندهی شده، که از طریق جرم و جنایت پولهای میلیاردری به دست می‌آورند، با پرداخت مبلغ ناچیزی به عنوان دیه، تأدیب نمی‌شوند

۲. برای جبران خسارت زیان‌دیده است (میرمدرس، ۲۰۱۳، ص ۳۳)؛ چون اگر جنایت منجر به قتل شده باشد، چه بسا خانواده‌ی سرپرست شده باشد و تامین نیازهای اقتصادی آن خانواده نیاز به جبران دارد و دیه این خلاء را جبران می‌کند. اگر جنایت منجر به قطع عضو شده باشد، زیان‌دیده برای تأمین یک عمر مخارج زندگی خود با مشکلات عدیده مواجه است و دیه می‌تواند تا حدی در حل این مشکلات کمک زیان‌دیده باشد (میرمدرس، ۲۰۱۳، ص ۴۰-۴۲؛ مکارم، ۱۴۲۲، ۱۴۸؛ عوده، ۱۴۱۵، ق، ۱/۶۶۹).

این نظریه قبلاً رد شد که دیه نمی‌تواند جابر خسارت‌های مالی باشد و شاید بتوان گفت که دیه بخش بسیار ناچیز و اندکی از خسارت‌های مالی ناشی از جنایت را جبران می‌کند نه همه آن را.

۳-۴. قول به تفصیل

اندیشمند دیگری در بررسی دیه و علت وجودی آن و اینکه ماهیت آن چیست، نظر جدیدتری اتخاذ کرده است.

ایشان معتقد به ماهیت تفصیلی می‌باشد به این شرح که بین جنایت عمدی و شبه عمدی و بین جنایت خطای محض تفصیل داده است. و همچنین معتقد است که در جنایت خطای محض نظر جبرانی بودن جاری است؛ اما در جنایت عمد و شبه عمد، ماهیت دوگانه و ترکیبی جریان دارد (میرمدرس، ۲۰۱۳، ص ۴۴).

در قتل عمد، دیه هم جبران خسارت است و هم تنبیه و مجازات مجرم. مجازات است؛ زیرا جانی عمدا مرتکب جرم شده است و اصل بر قصاص است حالا که اولیای دم با بخشندگی قصد قصاص او را ندارند، جنایت او نباید کاملا بدون پاسخ بماند و با پرداخت دیه به اولیای دم، مجازات شود.

در این صورت علاوه بر مجازات مجرم، بحث جبرانی نیز دارد؛ زیرا در این جا عضوی از خانواده از دست رفته است و خانواده را به لحاظ تامین مخارج زندگی با چالش مواجه ساخته و با دیه این کاستی تا حدودی جبران می‌شود.

در برخی از موارد ممکن است مقتول نقش اقتصادی بالفعل نداشته باشد مثل کودک بودن یا حتی معلول بودن، اما کودک نیز بالقوه نقش اقتصادی دارد و شخص معلول نیز ممکن است اثر اقتصادی در خانواده و جامعه داشته باشد. کودکان کار مثال بارزی از این قضیه است که این کودکان بخش از هزینه‌های زندگی در خانواده‌های فاقد سرپرست را تأمین می‌کنند.

در صورتی که قتل ناشی از شبه عمد باشد نیز حکم عمد را دارد.

در صورتی که قتل ناشی از خطای محض باشد، دیه صرفا برای جبران خسارت است نه مجازات؛ چراکه در این فرض جرمی ارتکاب نیافته است. شخص مرتکب، نه قصد فعل داشته و نه قصد نتیجه مثل اینکه در جنگل به قصد شکار آهو تیری رها کرده و تیر به خطا رفته و محیط بانی را مورد هدف قرار داده است. در این جا قتل ناشی از خطای مرتکب است و مرتکب در حقیقت مجرم نمی‌باشد؛ اما چون قتل مستند به فعل اوست باید خسارت وارده بر مقتول را جبران کند و جبران آن با دیه

است. همچنین در صورتی که زیان حاصله، نتیجه فعل صبی یا مجنون باشد که در این صورت نیز دیه گرفته شده برای جبران خسارت است؛ زیرا در فقه بیان شده است که در صورت خطای محض، دیه بر عاقله است.

اگر ماهیت دیه را جزایی بدانیم معقول و مشروع نیست که بر اثر فعل شخصی، اشخاص دیگر مجازات شوند. در نتیجه، جزایی دانستن دیه در صورت جنایت خطای محض با قرآن سازگار نیست که می‌فرماید: ولا تزر وازرة وزر اخرى (فاطر، ۱۸). تکلیف عاقله به پرداخت دیه در خطای محض، ماهیت جبرانی بودن دیه را در این مورد ثابت می‌کند (میرمدرس، ۲۰۱۳، ص ۴۴).

جبرانی یا جزایی دانستن دیه اثری دارد که برای مطالعه بیشتر به نوشته ذیل مراجعه شود (میرمدرس، ۲۰۱۳). (۲۴-۵۲).

۳-۵. برای آشتی پذیری و دادن فرصت اصلاح پذیری به جانی

به نظر می‌رسد که دیه نه صرفاً برای مجازات مجرم است و نه صرفاً برای تأمین خسارت مالی و ماهیت ترکیبی بودن آن نیز به همان دوراهکار برمی‌گردد. دیه نمی‌تواند در همه جرایم مستوجب دیه برای مجازات باشد و برای همه این جرایم جابر تمام خسارت مالی نیز نیست؛ چون مجرمان زیادی هستند که پرداخت پولی نه عنوان دیه برای آنان مجازاتی محسوب نمی‌شود. همچنین، دیه نمی‌تواند جابر کلیه خسارتهای مالی فوت شده از مجنی علیه باشد. در نتیجه می‌توان گفت دیه را شارع مقدس تنها برای آشتی پذیری بین جانی و مجنی علیه وضع کرده است تا آن‌ها بتوانند در کنار همدیگر به صلح و ثبات زندگی کنند. دیه هدیه ناقابلی است از طرف جانی به مجنی علیه که ضمن آن از او طلب بخشش می‌کند و مجنی علیه یا ورثه‌اش نیز با قبول دیه، به جانی فرصت مجددی برای اصلاح خود و مفید واقع شدن به جامعه می‌دهد.

۴. نتیجه

با بررسی موضوع یافته‌های ذیل به دست آمد:

۱. دیه مالی است که توسط جانی به مجنی علیه تا ورثه او پرداخت می‌شود و منشأ

آن قرآن کریم است

۲. در ماهیت دیه چهار نظریه مطرح است و قول مختار این است که دیه برای آشتی دادن بین جانی و مجنی علیه وضع شده است و در حد هدیه ناقابلی است که از طرف جانی پرداخت می‌شود. اینکه ماهیت دیه را صرفاً جبران خسارت مالی یا مجازات جانی بدانیم، درست به نظر نمی‌رسد و با اشکالات عدیده مواجه است.

۳. سیاست جنایی اسلام تحت تاثیر قرآن کریم، دیه را در مهار جرم و جنایت مؤثر می‌داند و آن را به عنوان ابزاری جهت برقرار نظم اجتماعی، آشتی دادن و اصلاح پذیری مورد استفاده قرار داده است.

در نتیجه، دیه می‌تواند در جهت صلح و ثبات بین افراد جامعه، نقش آفرین باشد. دیه در برقراری آشتی بین جانی و مجنی علیه یا ورثه او بدون اینکه طرفین آسیب بیشتری ببینند، نقش مهمی دارد. پرداخت پولی به عنوان دیه نه برای مجازات مجرم است و نه برای جبران خسارت مالی، بلکه هدیه ناقابلی است از طرف جانی به مجنی علیه، تا او بخواهد خطای مجرم را بخشیده و به او فرصت مجددی برای اصلاح خود و مفید واقع شده در جامعه بدهد.

۵. فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن الأثیر الجزری، مجدالدین ابوالسعادات المبارک بن محمد (۱۳۶۷ ه. ش)،
النهاية
۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ه. ق)، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية،
تحقیق و تصحیح احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، الطبعة
الاولی.
۳. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ه. ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من
الکلام، تحقیق و تصحیح حسین بن عبدالله العمری، مطهر بن علی الاریانی،
یوسف محمد عبدالله، الطبعة الأولى، دار الفكر المعاصر، بیروت.
۴. رشید رضا، محمد، ۱۴۱۶، تفسیر المنار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۵. زبیدی، الحسينی الواسطی، محب الدين السيد محمد مرتضى (۱۴۱۴ هـ. ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحيح و تدقيق على الشيرازى، دار الفكر، بيروت.
۶. سبزواری، السيد عبدالاعلى (۱۴۱۳ هـ. ق)، مهذب الاحكام فى بيان الحلال والحرام، مؤسسة المنار، قم، الطبعة الرابعة.
۷. سرخسى، شمس الدين (۱۴۰۶ هـ. ق)، المبسوط، دار المعرفة، بيروت.
۸. سعدى، ابو حبيب، (۱۴۰۸ هـ. ق)، القاموس الفقہى لغة و اصطلاح، دار الفكر، دمشق، الطبعة الثانية.
۹. صاحب، اسماعيل بن عباد (۱۴۱۴ هـ. ق)، المحيط فى اللغة، تحقيق محمد حسن.
۱۰. طبرسى، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البيان فى تفسير القرآن؛ تهران: ناصر خسرو.
۱۱. عاملى، زين الدين بن على الجبجى (۱۹۲۷)، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية، ج ۲، الطبعة الثانية، قم: مجمع الفكر الاسلامى.
۱۲. عوده، عبدالقادر (۱۴۱۵ هـ. ق)، التشريع الجنائى الاسلامى مقارنة بالقانون الوضعى، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الثالثة عشر.
۱۳. قانون مجازات اسلامى.
۱۴. مطهرى، شهيد مرتضى (۱۳۷۹)، مجموعه آثار، ج ۲۰ (جلد دوم از بخش فقه و وحقوق)، انتشارات صدرا، تهران، چاپ دوم.
۱۵. مكارم الشيرازى، ناصر (۱۴۲۲ هـ. ق)، بحوث فقهية هامة، مدرسة الامام على بن ابى طالب (ع)، قم، الطبعة الأولى.
۱۶. مير مدرس، سيد موسى. (۲۰۱۳). مفهوم و ماهيت ديه از منظر فقه و حقوق اسلامى. فقه، ۲۰ (۷۷)، ۲۴-۵۲.
۱۷. هاشمى الشاهرودى، السيد محمود (۱۴۲۲ هـ. ق)، معجم فقه الجواهر، مؤسسة فقه بر مذهب اهلبيت.